

از : دکتر احسان اشراقی

معرفی چند سند تاریخی

آنچه در این صفحات بنظر خوانندگان گرامی میرسد فرامینی است از کریم خان زند و قاجار مر بوط به انتصاب چند تن از خاندان میرزا عبدالغفار قزوینی (اشراقی) به پاره‌ای مشاغل دیوانی و برقراری مستمری در حق آنان و چون مطالب این قبیل اسناد نشان دهنده بعضی از مشاغل روحانی و مناصب دیوانی و لشکری بوده و از نظر اداری و اجتماعی حائز اهمیت اند لذا معرفی آنها خالی از فایده نخواهد بود.

سند نخستین فرمانی است از کریم خان زند مورخ بسال ۱۱۸۴ هجری قمری که بموجب آن، صدر مملکت، میرزا محمدعلی، انتصاب میرزا عبدالغفار قزوینی را بسمت نظارت شرعیات دارالسلطنه قزوین تصدیق و تأیید نموده و به حاکم و وکیل مالیات آن شهر تکلیف شده است تا مبلغ و مقدار معینی از نقد و جنس در حق دارنده منشور همه ساله منظور نمایند تا صرف معاش خود کند. این فرمان با عبارت معمول در فرمانین کریم خان زند « فرمان عالی شد» آغاز شده و پائین فرمان بهمراو باسجع «یا من هو بمن رجاء کریم» مهور گردیده است. شغل نظارت شرعیات و مقررات مربوط به ارباب و وظایف

و طلبه علوم دینی که در این سند اشاره شده است از امور مربوط به تشکیلات روحانیت بوده که در رأس آن شخصیتی بعنوان «صدر» قرار داشت و شغل صدارت در دوران زندیه مانند دوران صفویه و برطبق موازین آن زمان بزرگترین مرجع روحانیت بوده و کلیه امور شرعی مانند «نصب و تعیین حکام شرع و مباشرین موقوفات و تفویض ریش سفیدی جمیع سادات و علماء و مدرسان و قاضیان و شیخ الاسلامان و نایب الصداره و متولیان جزء و ناظران موقوفات و پیش‌نمازان و خطبا و هوذنان و حفاظ و معرفان و غسالان ...»^۱ از وظایف این شغل بوده است.

چهار فرمان دیگر (عکسهای شماره ۲، ۳، ۴، ۵) فرامینی هستند از فتحعلی شاه قاجار خطاب به شاهزاده علینقی میرزا رکن الدوله^۲ حاکم

۱- دستورالعلوک به کوش محمدتقی دانش پژوه س ۳۴.

۲- رکن الدوله علینقی میرزا پسر هشتم فتحعلیشاه قاجار بود که از ۱۶ سالگی به استثنای یکی دو ماه حکومت قزوین را داشته است. در دومین جنگ ایران و روس سال ۱۲۴۳ قمری علینقی میرزا به‌مراه عباس میرزا نایب‌السلطنه برای دفاع از قلعه عباس‌آباد در جنگ شرکت کرد ولی از سپاه ژنرال پاسکیویچ شکست خورده گریخت. پس از مرگ عباس میرزا با اینکه مقرر بود محمد میرزا فرزند وی به سلطنت بنشیند، علیشاه میرزا معروف به ظل‌السلطان بکمک بعضی از رجال و شاهزادگان قاجار در تهران به تخت نشست و علینقی میرزا بطرفداری از او با سپاهی از قزوین به تهران حرکت کرد و از آنجا نامه‌هایی به شاهزادگان قاجار که در گوشه و کنار کشور پسر میبردند نوشت و آنان را به اطاعت از ظل‌السلطان دعوت کرد. در این هنگام محمد میرزا ولیعهد در تبریز با کمک قائم مقام مشغول تدارک نوا بمنظور پیشرفت بسوی تهران و تصاحب تاج و تخت بود و رکن الدوله از طرف ظل‌السلطان مأمور شد تا با محمد میرزا در مورد صلح گفتگو کند لکن به اشاره قائم مقام توقیف گردیده همراه اردو به تهران حرکت داده شد. پس از ورود به پایتخت بزودی سرشته‌کارها بدست قائم مقام افتاد و او نیز بمنظور پیش‌گیری از طغیان پسران فتحعلیشاه، اقامت بعضی از آنان منجمله رکن الدوله و علیشاه میرزا را در پایتخت مصلحت ندیده آنان را با تفاق هشت نفر از شاهزادگان به قلعه اردبیل فرستاده در آنجا زندانی کرد آنها تا سال ۱۲۵۳ قمری در قلعه محبوس بودند تا آنکه علینقی میرزا به‌بهاه ایجاد بقیه پاورقی در صفحه بدم

قزوین مربوط بسالهای بین ۱۳۲۳ تا ۱۲۴۷ هجری قمری در مورد انتصاب میرزا عبدالکریم قزوینی و میرزا عبدالغفار و میرزا امرتضی و برقراری مستمری در حق آنان. این چهارسند از اسناد دیوانی و مالی دوران سلطنت فتحعلی شاه هستند و چون در این دوره تشکیلات اداری به اقتضای موقعیت سیاسی و اجتماعی توسعه یافته مشاغل متعددی ایجاد شد ناگزیر برای انتصابات و مواجب مستمری بگیران فرمان صادر می شد که در واقع تقلیدی بود از نظامات اداری دوران صفویه. در این قبیل فرمانها که جنبه مالی داشت مهر و طغرای پادشاه در بالای صفحه می آمد و پشت فرمان نیز بمهر و طغرای مستوفی الممالک و صدراعظم و همچنین مقامات دیگر از قبیل مستوفیان و منشیان و لشکر نویسان هر دفتر میرسید. در فرامین مورد بحث همچون فرمانهای مشابه آنها به چند مورد باید اشاره کرد:

۱- معمولا در سر لوحه فرمان عبارت «بسم الله تعالی شأنه العزیز» دیده میشود و در زیر این عبارت مهر فتحعلی شاه نهاده شده که سجع آن چنین است:

بقیه پاروقی از صفحه قبل
 غلگه در حرمخانه يك معنی قزوینی را واداشت تا نقی بخارج از قلعه بزند و با این مقدمه در تاریخ ششم ربیع الاول ۱۲۵۳ با اتفاق امام ویردی میرزا از راه نقب بخارج گریختند و با کمک مأمورین دولت روسیه به تفلیس رفتند ولی چون دولت روس حاضر به پشتیبانی آنها نگردید ناچار به ارزنة الروم در خاک عثمانی رفته و از آنجا به استانبول و اسکندریه و سپس به مکه و شام و بغداد رفتند و در آنجا مقیم شده دیگر به ایسران مراجعت نکردند. علینقی میرزا بیشتر ایام عمر حکومت قزوین داهت و با همکاری نزدیک برادر خود امام ویردی میرزا معروف به کشیکچی باشی به امور این ولایت رسیدگی می کرد وی دارای بیست و هشت فرزند از پسر و دختر بود (فاسخ التواریخ جلد قاجاریه ص ۳۱۷) که از آن میان فرزند ذکور یازدهم شکرالله میرزا مادرش از قاجاریه قزوین بوده است.

العزّة لله

قرار در کف شاه زمانه فتوحعلی
گرفت خاتم شاهی ز قدرت ازلی

در یکی از این فرمانهای چهار گانه بجای عبارت العزّة لله، سلطان صاحبقران نوشته شده و این اختلاف در فرامین دیگر فتوحعلی شاهی نیز دیده میشود.

۲ - طغرای فرمان که برنگ آب طلا پائین تر از سجع مهر کشیده شده و حاوی عبارتی چنین است :

« الملك لله تعالی حکم همایون شد »

۳ - در متن این اسناد مشاغل هم چون « لشکر نویس » و « شریک الکتاب » و مباشر امور ایلات در مورد صاحبان فرمان و همچنین مشاغل مانند سر رشته دار مالیات، مستوفی دیوان و دفتر نویس و مانند آن آمده که از یک تشکیلات اداری جهت صدور احکام و ضبط و ثبت آنها خصوصاً در امور سپاهی و مالیاتی حکایت میکنند نوع مشاغل و طرز کار این دیوانها بیرون و کم شبیه به دوران صفویه بوده و این مطلب از سالنامهها و اسناد دیوانی و کتب دوران قاجار مشهود است و توان گفت، اساسی را که صفویان برای نظام اداری ایران گذاشتند، بشکل اصول و مقرراتی تا مدتها پایدار ماند.

لشکر نویسان مأموران رسیدگی به امور سپاهیان اعم از منظم و غیر منظم در ده جزئیات مربوط به کار قشون را در دفاتر مخصوص ثبت می کردند. لشکر نویس ابوابجمعی را بازدید می کردند و به سرشماری و سیاهه نویسی می پرداخت. ریاست تمام لشکر نویسان بال لشکر نویس باشی بود که در زمان صفویه اختیارات زیادی داشت و بنوشته دستور الملوك: « لشکر نویس دیوان اعلی، وزیر سرکار ملازمان و آقایان و قوشچیان که داخل خدمت غلام نباشند

و یساولان و قاپوچیان دیوان . . . و غیر هم است و کیفیات مواجب تیول و انعام و اقطاع و سیور غالات و معافیات ایشان و ارقام و احکام مواجب براتی و همه ساله کل امراء عظام و بیگلر بیگیان و حکام کرام و سلاطین و خوانین ذوی الاحترام و احکام طلب و تنخواه امراء و مقربان در گاه و صاحب جمعان و مشرفان و عمله بیوتات که غیر غلام باشند و ارقام و احکام سیور غالات و معافیات و اجارات و وظایف یساقیان و چریک به مهر اومی رسید . . .

شریک الکتاب از اعضای دفترخانه و جزء کاتبان و نامه نویسان دیوان استیفاء بوده سررشته داری مالیات دیوانی صدور بروات ضبط حوالجات و اطلاعات را برعهده داشت .

دیوان یا وزارت استیفاء از هر نظر مسئول دخل و خرج مملکت بود. این دیوان که در رأس آن مستوفی الممالک قرار داشت از چهار دفتر تشکیل می گردید که در هر دفترخانه چندتن مستوفی و نویسند که هر یک وظیفه خاصی داشتند کار می کردند و اسناد خرج و دخل و حکمها و فرمان هایی که متضمن پرداخت پول می بود و جنبه حسابداری و مالی می داشت بعد از طی مراحل لازم در وزارتخانه مربوط بایستی در این دفاتر بوسیله مستوفیان مزبور بازرسی و نظارت و سواد بر داری و ثبت و ضبط می گسردید و اینکه در این دوره در پایان فرمانها عباراتی نظیر «مقرر آنکه مستوفیان عظام شرح فرمان مبارک را در دفاتر خلود ثبت و ضبط نموده در عهده شناسند» نوشته میشد بتقلید روش دوره صفوی و اشاره بهمین وظایف مستوفیان بوده است.^۲

در پشت هر یک از اسناد فوق مهر و امضاء و طغراهای متعددی از مسئولین امر دال بر تأیید و تسجیل سند و تضمین صحت آن با عباراتی حاکی از تصدیق و ملاحظه و ثبت بچشم میخورد که بدون این تشریفات اداری مفاد اسناد رسمیت نمی یافته است در ظهریکی از این فرامین میخوانیم :

۱- دستور الملوك ص ۹۲

۲- مقدمه ای بر شناخت اسناد تاریخی تألیف دکتر جهانگیر قائم مقامی ص ۳۱۲ .

«بعضی امناء دولت قاهره سلطانی میرساند که مبلغ پانزده تومان نقد و پانزده خروار جنس در طومار داعی بصیغه وظیفه باسم میرزا عبدالغفار برقرار بوده است باقی را مختارند .
 و اینک متن هر یک از فرامین فوق الذکر را از نظر خوانندگان میرساند:

فرمان نخستین

از کریم خان زند در مورد انتصاب میرزا عبدالغفار قزوینی
 به نظارت شرعیات قزوین

«فرمان عالی شد،

«آنکه حسب التصدیق عالیجاه رفیع جایگاه صدارت و سعادت پناه حقایق
 و معارف کلاه حاوی الفروع و الاصول جامع المعقول و المنقول اسلام و
 اسلامیان ملازی، نظاماً الصداره و الایاله میرزا محمدعلی صدر جلیل القدر
 در مملکت در معامله هذه السنه پارس ثیل و ما بعدها نظارت شرعیات و ارباب
 و وظایف و عموم موظفین دار السلطنه قزوین را بعالیحضرت رفیع منزلت سلالة
 النجبائی میرزا عبدالغفار قزوینی مفوض و مرجوع و بدینموجب

فیقده

۱۰ تومان (بسیاق)

از بابت تنخواه موظفین	که در تحت تنخواه موظفین
قزوین در هذه السنه و ما بعدها	قزوین هر ساله در تقسیم
قرارداده می شود ۱۵۷ تومان	جزو در وجه مشارالیه مقرر
هفت هزار و هفتصد و هجده درم	بوده و باز یافت می نموده
بقراردعمه ساله در عهد مشارالیه	۷ تومان (بسیاق)
قرارداده می شود ۱۵۰ تومان	
تومانی دو بیست دینار	
۳ تومان (بسیاق)	

مجموعی

۱۰ خروار (بسیاق)

که در تحت تنخواه موظفین
می گرفته
۷ خروار (بسیاق)
از بابت تنخواه وظیفه
موظفین ۲۲۰ خروار و ۸۱۶ من بقرار هما
ساله در باره مشار لیه داده می شود
۲۰۰ خروار خرواری
۱/۵ من
۳۰۰ من (بسیاق)

« نقد و جنس که ده تومان و ده خروار است بصیغه وظیفه و مقرری خدمت
نظارت شرعیات در وجه او مقرر فرمودیم که هفت تومان و هفت خروار یک
در تحت تنخواه وظیفه موظفین موظف و می گرفته بازیافت و بعلاوه از هده
السنه و ما بعدها از قرار یک تفصیل یافته سه تومان و سه خروار از قرار
تومانی دوست دینار و خرواری یکمن و نیم از تنخواه نقد و جنس وظیفه
موظفین و مصارف روشنایی و غیره مساجد و بقاع در حین گرفتن تنخواه کل
که خودتان بازیافت مینمایند بازیافت و صرف معاش خود و در تقدیم امر
مزبور و رونق و رواج بقاع الخیر و مساجد و مدارس ساعی باشند عالیجاه
رفیع جایگاه عقیدت و اخلاص آگاه مولا و یردی خان . . . حاکم و عالیشان
معلی مکان سلالة النجباء العظام میرزا محمد صادق و کیل مالیات دار السلطنه
قزوین بنحو مقرر معمول دارند عموم موظفین و طلبه علوم دینی دار السلطنه
مزبور محسوب فرموده مرتب داشته و در عهده شناسند تحریر آ فی شهر
محرم سنه ۱۱۸۴ .

«محل مهر کریم خان زند»

فرمان دوم

از فتحعلی شاه قاجار بعنوان میرزا عبدالکریم قزوینی

بسم الله تعالی شانہ العزیز

سجده مهر فتحعلی شاه

طغرا (الملك لله تعالی حکم همایون شد) آنکه بنا بر ظهور کاردانی و راست قلمی عالیشان رفیع مکان اخلاص و ارادت نشان میرزا عبدالکریم قزوینی خدمت شراکت کتاب دار السلطنه قزوین را بعالیشان موهی الیه مفوض و عنایت فرمودیم که از روی راستی و درستی متوجه سررشته داری مالیات و صادرات بوده در جمیع حوالجات و اطلاعات اعم از مالیات و صادر ثبت و سررشته مضبوط و منقح نگهداشته بشراکت سایر کتاب بلو ازم خدمت مزبوره قیام و اقدام نماید و بدینموجب نقد و جنس که قبل ازین داخل مستمری قزوین و بصیغه و وظیفه در وجه موهی الیه و برادران او برقرار بوده بصیغه مواجب در وجه او برقرار فرمودیم.

نقد

که باسم میرزا اسدالله و سایر اولاد مرحوم میرزا عبدالغفار بصیغه و وظیفه برقرار بوده و حال در وجه عالیشان میرزا کریم ولد مرحوم مبرور بانتراده برقرار شد

جنس

۱۵ خروار (بسیاق)

۱۵ تومان (بسیاق)

که همه ساله برسبیل استمرار بازیافت و صرف معیشت خود نموده بمراسم خدمتگذاری قیام دارد مقرر آنکه فجر صبح خلافت زاهره و ضوه مصباح سلطنت بساهره علینقی میرزا صاحب اختیار دار السلطنه مذکورہ بعد از زیارت فرمان جهان مطاع اشرف عالیشان موهی الیه را شریک الکتاب دانسته خدمت مزبوره را باو مفوض و موکول و بشغل سررشته مالیات و صادرات مشغول داشته قدغن نماید که در جمیع حوالجات و اطلاعات ثبت منقحی

نگهداشته بطریق سایر کتاب ظهر برواة را مهر نماید^۱ و مواجبی که در وجه مومی الیه برقرار فرموده ایم از بسابت وظیفه سابق هر ساله در وجه او مهمسازی نماید که صرف مدار گذار خویش نموده بشرایط خدمتگذاری پردازد و درین باب قدغن لازم دانسته در عهده شناسند تحریراً فی شهر شوال - المکرم سنه ۱۲۲۳ هـ

فرمان موم

بسم الله تعالى شانه العزیز

سجع مهر فتحعلیشاه قاجار

طغرا (الملك لله تعالى حکم همایون شد) آنکه دو حه صدیقه خلافت و جهاننداری و ثمره شجره دولت و شوکت و شهر یاری فرزند ارجمند علینقی میرزا صاحب اختیار دارالسلطنه قزوین بعواطف پادشاهی سرافراز و مباحی بوده بدانند که چون آقا جانی بیگ بجوار رحمت ایزدی پیوسته و مبلغ ده تومان تهریزی نقد و مقدار ده خروار غله در جزو مستمری دارالسلطنه مذکور باسم او برقرار بوده درینوقت بنا بر ظهور کاردانی و خدمتگذاری عالیشان معلی مکان اخلاص و ارادت نشان میرزا عبدالکریم شریک الکتاب در معامه سنه آتیه پیچی نیل جبریل دلیل و مابعداها مبلغ و مقدار مذکور را در وجه مومی الیه مستمر و برقرار فرمودیم که هر ساله بازیافت و صرف مدار گذار خود نموده بمراسم خدمتگذاری سرکار دیوان قضا نشان اعلی اشتغال نماید باید آن فرزند ارجمند بعد از زیارت فرمان جهانمطاع همایون بکار گذاران خود اعمال ولایت قدغن نماید که در معامله سنه آتیه و مابعداها هر ساله مبلغ و مقدار مذکور را در وجه مومی الیه مهمسازی و بدستور سابق بخرج مجری و ممضی دانند و درین خصوص قدغن لازم دانسته و در عهده شناسند تحریراً فی شهر محرم الحرام سنه ۱۲۲۷ هـ

۱ - نظیر مهر و امضاء و تعدیقی که در پشت پنج سند مورد بحث وجود دارد

فرمان چهارم

از فتحعلی شاه قاجار درباره میرزا عبدالغفار قزوینی

بسم الله تعالی شانه‌العزيز

سجع مهر

طغرا (الملك الله تعالی حکم همایون شد) که فروزان کوكب آسمان خلافت و شهریاری و تابان گوهر عمان سلطنت و جهانداری فرزند ارجمند مسعود علینقی میرزا صاحب اختیار دار السلطنه قزوین به عنایات کامله پادشاهی معزز و مباهی بوده بدانند که چون سابقاً مبلغ بیست و پنج تومان تجریزی نقد و مقدار بیست و پنج خروار غله از بابت مالیات دار السلطنه قزوین در وجه میرزا کریم شریک الکتاب برقرار بوده کسه

بابت مواجب سابق میرزا کریم	از بابت آقاچانی نمره ۱ که در سنوات سابق در وجه میرزا کریم برقرار شده بود و شریف خان فرمان؛ خود سادر نموده بود موقوف شد	جنس	نقد
۱۵ تومان (بسیاق)	۱۵ خروار (بسیاق)	جنس	نقد
		۱۰ خروار (بسیاق)	۱۰ تومان (بسیاق)

همه ساله مبلغ و مقدار مزبور را در ازاء مواجب شغل مزبور از بابت مالیات باز یافت و صرف معاش خود میساخت و از قراری که معروض افتاد مشارالیه وفات یافته است درینوقت بنا بر ظهور قابلیت و شایستگی عالیشان رفیع مکان عزت و سعادت نشان اخلاص و ارادت خواهان؛ میرزا عبدالغفار برادرزاده او وفور مرحمت پادشاهی در ابتداء هذه السنه بونت ثیل خجسته دلیل و مابعدها مبلغ و مقدار مزبور را از بابت مالیات آنجا کماکان مستمر و برقرار فرمودیم که همه ساله در ازاء مواجب شغل شریک

الکتابی با زیافت و صرف معاش خود نماید باید آن فرزند همه ساله مبلغ و مقدار مزبور را در وجه مشارالیه همسازی نموده گماکان مستمر و برقرار دانند مقرر آنکه عالیجاهان رفیع جایگاهان عزت و جلالت دستگهان فخرامت و مناعت اکتسابان مقربو الخاقان مستوفیان عظام دیوان همایون مبلغ بیست و پنج تومان نقد و مقدار بیست و پنج خروار غله را از بابت مالیات دارالسلطنه قزوین از ابتداء هذه السنه و ما بعدها در وجه عالیشان مشارالیه مستمر و برقرار دانسته بخرج مالیات آنجا محسوب و ممضی دارند عالیجاهان رفیع مکانان عزت و سعادت نشانان کتاب خیریت اکتساب دفترخانه مبارکه شرح فرمان مبارک را در دفاتر خلود ثبت و از شائبه تغییر و تبدیل مصون و محروس دانند در عهده شناسند تحریراً فی شهر ذی قعدة الحرام سنه ۱۲۳۷

فرمان پنجم

درباره میرزا مرتضی لشکر نویس

بسم الله تعالی شأنه العزیز

(سجع مهر)

(ظفر) - که مشید ارکان دولت قدیم و مشدد اوتاد سلطنت قویم فرزند نامدار رکن الدوله العلیه العالیه علینقی میرزا صاحب اختیار دارالسلطنه قزوین بعنایات خاطر شاهانه قرین مفاخرت بیسکرانه بوده بدانند که چون عالیجاه رفیع جایگاه عزت و سعادت همراه اخلاص و ارادت آگاه عمده الاعیان میرزا مرتضی لشکر نویس آن فرزند بظهور مراسم خدمتکاری و شهود کمال شایستگی مشهود انظار مهر ارتسام شهر یاری آمده و اهتمام او در خدمات مرجوعه بخود معروض و معلوم رأی جهان آرای اقدس افتاده لهذا المعات انوار عنایت شاهانه پرتو افکن ساحت احوال مشارالیه و در هذه السنه

توشقان ثیل خجسته دلیل وما بعدها خدمت لشکر نویسی و مباشری امور ایلات قزوین را بعهدہ اهتمام او محول و مفوض داشتیم و مبلغ یکصد تومان درازای خدمت مزبور بصیغه موجب دروجه مشارالیه عنایت و برقرار فرمودیم که همه ساله بازیافت و صرف معاش خود ساخته بنحوی که باید و شاید و از مراسم خدمتکاری و بندگی اوسزد و آید بملزومات خدمت مزبور اقدام و حسن خدمت و جوهر کاردانی خود همه ساله مشهود رأی مهر ارتسام دارد باید آنفرزند نامدار در استقلال و استقرار مشارالیه لازمه قدغن معمول و لوازم شغل مزبور را باو مخصوص داده مقرر آنکه عالیجاهان رفیعجا - یگاہان عزت و جلالت دستگاہان مقربہ الخاقان مستوفیان عظام و لشکر - نویسان دیوان قدر نظام همه ساله مبلغ مزبور را از سر کار دیوان اعلی دروجه مشارالیه برقرار دانسته عاید سازند و شرح فرمان مبارک را در دفاتر خلود ثبت و ضبط نموده از شوائب تغییر و تبدیل محروس دانند و در عہدہ شناسند

تحریر آفی شهر صفر المظفر سنہ ۱۲۴۷

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Handwritten marginal notes in the top left corner.

Handwritten text at the top of the page, including a large flourish on the right.

Handwritten text in the upper middle section of the page.

Handwritten text in the middle section of the page.

Handwritten text in the lower middle section, featuring a large, faint star-shaped watermark or seal in the background.

Handwritten marginal notes on the left side of the page.

Handwritten text in the lower section of the page.

Handwritten text in the lower section of the page.

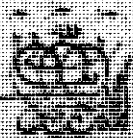
Handwritten text in the lower section of the page.

Handwritten text in the lower section of the page.

Handwritten text in the lower section of the page.



Handwritten text in Arabic script, likely a title or header, located in the upper left quadrant.

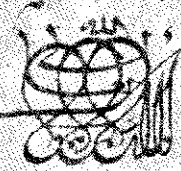


A line of handwritten text in Arabic script, possibly a date or a specific reference.

A line of handwritten text in Arabic script, continuing the document's content.

A line of handwritten text in Arabic script, with some faint markings below it.

A line of handwritten text in Arabic script, located in the lower portion of the page.



کتابخانه عمومی مسجد جامع اصفهان

این سند در تاریخ ... در شهر اصفهان ...

بسم الله الرحمن الرحیم ...

این سند در تاریخ ... در شهر اصفهان ...

این سند در تاریخ ... در شهر اصفهان ...

۱۴۵۷

ذکر ...

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على سيدنا محمد
الذي ولد في مكة المكرمة
في يوم الاثنين الثاني عشر من ربيع
الثاني سنة الفيل النبوية
التي هي سنة الفيل النبوية
التي هي سنة الفيل النبوية



الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على سيدنا محمد
الذي ولد في مكة المكرمة
في يوم الاثنين الثاني عشر من ربيع
الثاني سنة الفيل النبوية
التي هي سنة الفيل النبوية
التي هي سنة الفيل النبوية
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على سيدنا محمد
الذي ولد في مكة المكرمة
في يوم الاثنين الثاني عشر من ربيع
الثاني سنة الفيل النبوية
التي هي سنة الفيل النبوية
التي هي سنة الفيل النبوية



Handwritten text in the upper left section, possibly a title or introductory note.



Handwritten text in the middle section, continuing the main body of the document.

Handwritten text in the lower middle section, likely a concluding or transitional part.

Handwritten text in the lower section, possibly a signature or final note.

Handwritten text in the lower section, continuing the main body of the document.

Handwritten text in the lower section, continuing the main body of the document.



پښتونستان د علوم او انسانیت د مطالعاتو د مرکز
پرتال د علوم او انسانیت